

نقش همکاری خانواده و پلیس در پیشگیری از آسیب های اجتماعی

تاریخ دریافت: ۸۸/۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۸۸/۵/۳۰

مهرناز امین آقایی^۱

چکیده

بیان مسئله و هدف: هدف این پژوهش بررسی نقش همکاری خانواده و پلیس در پیشگیری از آسیب های اجتماعی در ایران است. نگاهی به آمار رو به رشد طلاق و از هم گسیختگی خانواده در ایران نشان می دهد که امروزه طلاق خود به عنوان یک آسیب اجتماعی بروز کرده است و همچنین بر افزایش سایر آسیب های اجتماعی نیز تأثیر می گذارد. در این مقاله سعی می شود با طرح این مسئله آشنفتگی خانواده در ایران به عنوان یکی از عوامل مهم و مؤثر بر گسترش این آسیب های اجتماعی است، به بررسی نقش و جایگاه خانواده در پیشگیری از این آسیب های اجتماعی می پردازیم. سپس از آنجایی که در جامعه پذیری افراد در جامعه پس از خانواده، نیروهای انتظامی نقش مهمی را بر عهده دارند، لذا نقش و اهمیت همکاری نیروی انتظامی و خانواده مورد بررسی قرار می گیرد.

روش: به منظور نشان دادن نقش و اهمیت خانواده در شیوع و گسترش آسیب های اجتماعی در ایران، به فراتحلیل برخی تحقیق ها و پژوهش های انجام شده در زمینه عوامل مؤثر بر آسیب های اجتماعی در ایران پرداخته شد. به دلیل زیاد بودن تعداد این پژوهش ها قطعاً مطالعه کامل این پژوهش ها امکان پذیر نبود. لذا برخی از این تحقیق ها که با مطالعه میدانی همراه بودند انتخاب شد و داده های ثانویه مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته ها: بررسی داده های ثانویه به خوبی نشان می دهد که از هم گسیختگی نهاد خانواده از مهم ترین عوامل بروز آسیب های اجتماعی در ایران به شمار می رود. به گونه ای که علاوه بر اینکه از هم گسیختگی نهاد خانواده خود به عنوان یک آسیب اجتماعی بروز کرده است، تحلیل ثانویه پژوهش ها و پایان نامه های همراه با مطالعات میدانی نشان می دهد که در مورد اعتیاد و دختران فراری، از هم گسیختگی خانواده مهم ترین عامل بوده است و در زمینه روسپیگری خانواده پس از فقر در دسته دوم دلایل قرار می گیرد.

نتایج: نتایج این فرا تحلیل نشان می دهد که در پی تغییرات ساختاری و کارکردی در نهاد خانواده، بسیاری از کارکردهای خانواده به سایر نهاد های اجتماعی انتقال پیدا کرده است، بنابراین پیشگیری از آسیب های اجتماعی در ایران با آموزش خانواده ها به تنهایی امکان پذیر نیست. خصوصاً اینکه خانواده ها خود اکنون دچار آسیب های اجتماعی فراوانی مانند طلاق، خشونت های خانگی، فقر عاطفی، طلاق خاموش و ... هستند. نیروی انتظامی و خانواده به عنوان دو نهاد اجتماعی مهم در جامعه پذیری افراد در جامعه، باید در رابطه تنگاتنگ با یکدیگر به پیشگیری از آسیب های اجتماعی در ایران پردازند.

کلید واژه ها:

خانواده/آسیب های اجتماعی/ پیشگیری / روسپیگری/اعتیاد/دختران فراری

مقدمه

در حال حاضر ازدواج و تشکیل خانواده دغدغه بخش اعظمی از جمعیت کشور و خانواده های آنها است. زیرا ایران در حال حاضر کشوری جوان به شمار می رود. تغییرات روند ازدواج و طلاق در ایران را می توان در دو بخش مورد بررسی قرار داد:

۱- روند افزایش سن ازدواج در ایران؛ ۲- روند رشد نسبت طلاق به ازدواج در ایران. در ادامه هر یک از موارد فوق به صورت مختصر بررسی می شود.

میانگین سن ازدواج در ایران از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵ برای مردان و زنان در نقاط شهری و روستایی روندی تصاعدی داشته است.

جدول شماره یک- میانگین سن ازدواج در نقاط شهری و روستایی در طی سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵

سال	کل کشور		نقاط شهری		نقاط روستایی	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
۱۳۵۵	۲۴/۱	۱۹/۷	۲۵/۱	۲۰/۲	۲۲/۷	۱۹/۱
۱۳۶۵	۲۳/۶	۱۹/۸	۲۴/۲	۲۰/۰	۲۲/۶	۱۹/۶
۱۳۷۵	۲۵/۶	۲۲/۴	۲۶/۲	۲۲/۵	۲۴/۵	۲۲/۳
۱۳۸۵	۲۶/۲	۲۳/۲	۲۶/۵	۲۳/۳	۲۵/۵	۲۳/۴

منبع: سایت مرکز آمار ایران

به غیر از سال ۱۳۶۵ که به دلیل تحولات فرهنگی ناشی از انقلاب اسلامی ایران، سن ازدواج کاهش پیدا کرده است، روند صعودی را در سن ازدواج مردان و زنان در نقاط شهری و روستایی می توان مشاهده کرد. همچنین میانگین سن ازدواج زنان و مردان در نقاط شهری و روستایی به یکدیگر نزدیک تر شده است و برای زنان تقریباً بر هم منطبق شده است.

آمار طلاق در ایران در طی سال های ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۷ دارای فراز و نشیب بوده است. به طوری که آمار طلاق در سال ۷۱، ۸ درصد و از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۵ دارای سیر صعودی بسیار آرام و پس از آن به مدت پنج سال (۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹) این روند تقریباً ثابت بوده است. نسبت طلاق به ازدواج از سال ۱۳۸۰ به بعد با شتاب بیشتری نسبت

به سال های گذشته دارای سیر صعودی بوده است. آمار طلاق در سال ۱۳۸۰ برابر ۹/۴ درصد، سال ۱۳۸۱ برابر ۱۰/۳ درصد، سال ۱۳۸۲ برابر ۱۰/۶ درصد، سال ۱۳۸۳ برابر ۱۰/۸ درصد، سال ۱۳۸۴ برابر ۱۰/۷ درصد، سال ۱۳۸۵ برابر ۱۲/۱ درصد و در سال ۱۳۸۶ برابر ۱۲/۹ درصد بوده است. همچنین در مناطق روستایی طی ۱۰ سال گذشته میزان طلاق ۷/۲ درصد افزایش داشته است. در سال ۱۳۸۷، بالاترین نرخ طلاق، مربوط به استان تهران و پایین ترین آن مربوط به استان ایلام است (سایت مرکز آمار ایران).

از سوی دیگر، آسیب شناسی مسئله خانواده در ایران، حکایت از گسترش خشونت خانگی، کودک آزاری و ... در نهاد خانواده در ایران است. این عوامل و توجه به آمارهای فوق سبب شده است تا امروزه وضعیت نهاد خانواده در ایران خود به عنوان یک مسئله اجتماعی بروز کند و از سوی دیگر بر گسترش بسیاری از مسائل اجتماعی ایران نیز تأثیر داشته باشد. گرچه در زمینه اولویت بندی آسیب های اجتماعی در ایران اتفاق نظری وجود ندارد، اما می توان گفت آسیب های اجتماعی اعتیاد، روسپیگری و دختران فراری با اولویت ترین مسائل اجتماعی ایران به شمار می روند. بنابراین، در این مقاله با فراتحلیل پژوهش های انجام شده در زمینه این آسیب های اجتماعی، به اهمیت از هم گسیختگی نهاد خانواده در گسترش این آسیب ها پرداخته می شود.^۱ سپس با توجه به اهمیت نقش خانواده و پلیس در پیشگیری از آسیب های اجتماعی ایران ارائه پیشنهادهایی در این زمینه پرداخته می شود.

مروری بر مطالعات قبلی

تعامل پلیس و خانواده موضوعی است که در بسیاری از سخنرانی های انجام گرفته توسط کارشناسان این مسئله مورد تأکید قرار گرفته است، اما کمتر مورد توجه پژوهشگران بوده است و تحقیقات میدانی و کتابخانه ای در این زمینه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. گرچه در تحقیقات پراکنده ای به این موضوع اشاره شده است، اما

۱- در دیدگاه ها و تئوری های تحلیل مسائل اجتماعی، تعاریف متعددی از مفهوم مسئله اجتماعی وجود دارد. در اینجا ما تعریف جامع زیر را به عنوان تعریف مسئله اجتماعی در نظر می گیریم: مسئله اجتماعی به وضعیتی گفته می شود که بخش قابل توجهی از جامعه از طریق تجربیات زندگی خود از آن آگاه شوند (بعد عینی). این وضعیت را در تعارض با ارزش ها بدانند (بعد ذهنی) و به شکل سازمان یافته یا سازمان نیافته خواهان تغییر یا اصلاح آن وضعیت اجتماعی باشند.

مستقیماً در هیچ یک از پژوهش های میدانی به این مسئله پرداخته نشده است. به طوری که تحقیقات زیادی در زمینه عوامل مؤثر بر آسیب های اجتماعی در ایران انجام شده است. در بسیاری از این تحقیقات به بررسی یک آسیب اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن بررسی شده است. در اینجا به برخی پژوهش ها که عمدتاً یا مبتنی بر موضوع یا مبتنی بر نتایج، به رابطه خانواده و آسیب های اجتماعی ایران پرداخته اند اشاره می کنیم. برای مثال، در زمینه اعتیاد، نتایج تحقیق ها نشان می دهد که روابط خانوادگی و الگوهای رفتاری خانواده نقش مهمی در جلب افراد به استفاده از مواد مخدر دارد. تحقیقات گسترده در کشورهای مختلف جهان نیز نشان داده است که افراد معتاد بیش از بقیه به خانواده های از هم پاشیده و بی ثبات تعلق دارند. تحقیق میدانی مظلومان با استفاده از روش مصاحبه با ۲۱۰۵ معتاد نشان می دهد که ۷/۳ درصد از افراد نمونه به علت اختلاف خانوادگی و ۱۴/۸ درصد نیز تحت تأثیر خانواده به سمت اعتیاد کشیده شده اند. در این نمونه تعداد ۹۰ نفر همسران معتاد خود را دلیل گرایش به اعتیاد بیان کرده اند (فاضل و میری آشتیانی، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

در مطالعه دیگری نتایج تحقیق نشان می دهد که از میان ۳۵۱ معتاد، ۳۵ درصد آنها به دلیل مسائل خانوادگی به اعتیاد کشیده شده اند. (صفایی راد، ۱۳۷۹: ۱۳) معدنی (۱۳۸۱: ۲) در مطالعه میدانی خود نشان می دهد که در زمینه عوامل مؤثر بر گسترش اعتیاد در ایران بین خانواده و اعتیاد رابطه وجود دارد. یعنی وجود شاخص هایی در خانواده در بروز اعتیاد نقش اساسی دارد. برای مثال، در خانواده های گسیخته، خانواده های تک والدی، کم سواد، والدین معتاد و ... که کنترل اجتماعی به درستی صورت نمی گیرد، گرایش به مصرف مواد مخدر بیشتر است. اما اعتیاد ممکن است در خانواده های به ظاهر سالم و کامل نیز بروز کند یا برعکس. در برخی خانواده های آسیب زا، فرزندان با توجه به ویژگی های فردی یا یافتن تکیه گاه هایی غیر از خانواده به اعتیاد آلوده شوند. همچنین افراد بیکار، ازدواج نکرده و بدون فرزند به مراتب بیشتر از شاغلان، همسران و فرزندان در معرض ابتلا به اعتیاد هستند.

در زمینه آسیب اجتماعی فرار دختران از منزل، مطالعات انجام شده به نسبت کمتر از اعتیاد است، اما باز هم در هیچ یک از این تحقیق ها عامل خانواده به صورت جداگانه مورد بررسی قرار نگرفته است. یکی از نزدیک ترین تحقیقات با موضوع این مقاله در این

زمینه مطالعه میدانی حمیدی است که در بررسی ای که در زمینه علل فرار دختران از منزل انجام شده است، تقریباً ۱۰۰ درصد از نوجوانان فراری به وجود ناسازگاری در بین اعضای خانواده خصوصاً بین والدینشان تأکید داشتند (حمیدی ۱۳۸۴: ۶).

نتیجه یک تحقیق در زمینه روسپیگری نیز نشان می دهد که ۴۶ درصد از این افراد دارای خانواده های با سوابق کیفری، ۷/۱۷ درصد محروم از داشتن والدین بوده و ۴۶/۱۵ درصد فرزندان طلاق بوده اند (مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۰: ۴۵)

چارچوب نظری

برای تحلیل نقش خانواده در بروز آسیب های اجتماعی ایران، باید خانواده را به دو صورت مورد بررسی قرار گیرد. ابتدا تأثیر نهادهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را بر نهاد خانواده مورد بررسی قرار گیرد و به بررسی رابطه نهاد خانواده با سایر نهادهای اجتماعی خصوصاً پلیس پرداخته شود تا از این طریق کارکردهای نهاد خانواده در کل نظام اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین باید کنش های متقابل اعضای خانواده را در چارچوب مناسبات درونی افراد خانواده مورد بررسی قرار داد. بنابراین در ادامه از هر دو دیدگاه نهادی که خانواده را به عنوان یک نهاد مورد بررسی قرار می دهد و نظریه سیستمی که تعاملات اعضای خانواده را به عنوان یک گروه مورد بررسی قرار می دهد، استفاده می شود. در این مقاله از رویکردهای زیر جهت تحلیل نقش خانواده و پلیس در کاهش آسیب های اجتماعی در ایران استفاده می شود:

الف) رویکرد بی سازمانی اجتماعی از نظریه کلان کارکردگرایی ساختی

ب) رویکرد کج رفتاری از نظریه کلان کارکردگرایی ساختی

ج) رویکرد انتقادی از نظریه کلان کشمکش

مطابق دیدگاه بی سازمانی اجتماعی، جامعه مانند یک کل یکپارچه است که بین اجزای ساختی آن تعادل برقرار است که از این حالت تحت عنوان همبستگی یا انسجام اجتماعی یاد می شود. اما این نظم و سازمان اجتماعی در نتیجه تغییرات ناموزون و شدید در معرض دگرگونی قرار می گیرد و از آنجایی که اجزای ساختی نظام به یک اندازه تغییر نمی کنند یا تغییرات بسیار شدید است، کنترل اجتماعی جامعه دچار

مشکل می شود و جامعه دچار حالت بحران تعادل می شود. هر چقدر این بی سازمانی بیشتر باشد، هنجارشکنی، تعارض، بحران های روحی و ... بیشتر است.

بی سازمانی اجتماعی باعث تحلیل رفتن کنترل اجتماعی غیررسمی در درون محلات و اجتماع شده، بنابراین میزان جرم افزایش می یابد. این ایده که بی سازمانی اجتماعی از طریق به تحلیل بردن کنترل اجتماعی غیررسمی بر روی جرم و انحراف تأثیر می گذارد، با تحقیقاتی که کسانی چون گاتفردسن^۱ (۱۹۹۱) و بورسیک انجام داده اند، تأیید شده است. (رابینگتون و واینبرگ، ۱۳۸۶: ۱۲۰)

رویکرد کج رفتاری نیز بر این نکته تأکید دارد که وقتی تعاریف نهادی شده درباره ارزش ها و امور مطلوب مورد تأکید فراوان باشد و راه های مشروع برای دستیابی به آن اهداف وجود نداشته باشد، افراد یا سعی می کنند از روش های غیر قانونی برای دستیابی به آن استفاده کنند یا از اهداف مورد نظر چشم پوشی کنند و دچار انزوای منفی شوند.

رابط مرتن در نظریه ساختاری فرصت، توضیحات جامعه شناسی قانع کننده ای در زمینه ارتباط فقر و آسیب های اجتماعی مطرح می کند. مرتن استدلال می کند که اگر در جامعه ای تأکید زیادی بر موفقیت مادی باشد و ثروت به عنوان یکی از اهداف فرهنگی و اجتماعی شناخته بشود و غالب مردم عملاً بپذیرند که موفقیت، قاطعانه با معیار ثروت و مادیات سنجیده می شود و در این بین قشر کوچکی در جامعه دسترسی به امکانات و اهداف مالی داشته باشند، شرایطی پدید می آید که برای اکثریت جامعه، ابزار و اهداف اجتماعی بر هم منطبق نیستند. این اکثریت، هدف را مطلوب می داند ولی امکان دسترسی به آن را ندارد (معیدفر، ۱۳۸۵: ۴۰).

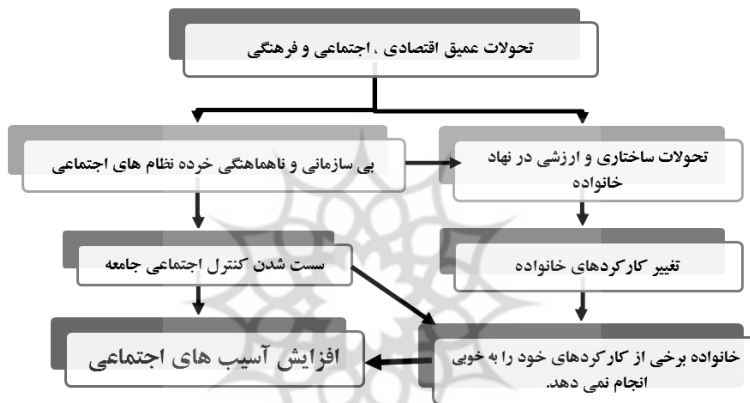
از نظر مرتن این افراد به روش های مختلف سعی در انطباق اجتماعی می کنند. سعی این افراد در گزینش شیوه های انطباق با هدف اجتماعی ممکن است به طیفی از رفتارهای مختلف از قبیل فراهم کردن امکانات جدید برای خود یا روی آوردن به رفتارهای غیرقانونی برای دستیابی به منابع مالی باشد (کلانتری اسکویی، ۱۳۸۴: ۶۷).

همچنین نابرابری های اجتماعی که منجر به احساس بی عدالتی اجتماعی در جامعه می شود و وجود هنجارهایی در جامعه که متعلق به طبقه مسلط جامعه است،

1- Gottfredson

افزایش فقر و ... سبب می شود تا افراد نسبت به هنجارهای و ارزش های موجود جبهه گرفته و به روش های غیر قانونی جهت دستیابی به اهداف خود متوسل شوند یا دچار از خودبیگانگی شده و انزوای را پیشه کنند.

به طور کلی، می توان گفت عواملی مانند تحولات عمیق اجتماعی و اقتصادی در دهه های گذشته بخصوص تحولات بعد از جنگ تحمیلی، افزایش جمعیت، مهاجرت روستا به شهر، تحولات عمیق فرهنگی و... همگی سبب سست شدن کنترل اجتماعی جامعه و بروز ناهنجاری های اجتماعی شده است.



نمودار شماره یک- تحولات عمیق اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی و آسیب های اجتماعی در ایران

منبع: آقابیه، ۱۳۸۸

مهم ترین کارکرد هنجارهای اخلاقی یک جامعه تنظیم روابط دو جنس زن و مرد بر پایه های مناسب است. انسانی ترین عمل تنظیم این روابط همان ازدواج است که می توان آن را اتحاد زن و مرد برای بهبود و پیشرفت آینده تعریف کرد. ازدواج یک نهاد حقوقی و اجتماعی مهم است که از طریق فراهم کردن مجموعه خاصی از حقوق، امتیازها، تعهدها، مسئولیت ها و انتظاراتها نقشی جدید از روابط زناشویی پایدار حمایت می کند و موجب بقا و تداوم نهاد خانواده و ساختار اجتماعی می شود. اما در وضعیت کنونی جامعه ایران، نهاد خانواده نیز تحت تأثیر تحولات ساختاری و ارزشی جامعه از یک سو و شرایط بی سازمانی و ناهماهنگی خرده نظام های اجتماعی از سوی دیگر،

کارکردهای خود را به خوبی انجام نمی‌دهد. از این رو، هم خود به عنوان یک مسئله اجتماعی نمود یافته است و هم بر سایر مسائل اجتماعی در ایران تأثیر گذاشته است. خانواده مجموعه‌ای است که علاوه بر اثرگذاری در نظام اجتماعی، کاملاً از این نظام متأثر است. با دگرگونی ساختار جامعه، نهادهای جدیدی به وجود آمدند که برخی از آنها به‌طور کامل کارکردهای خانواده را به خود اختصاص دادند و بعضی دیگر شریک کارکردهای خانواده شدند.

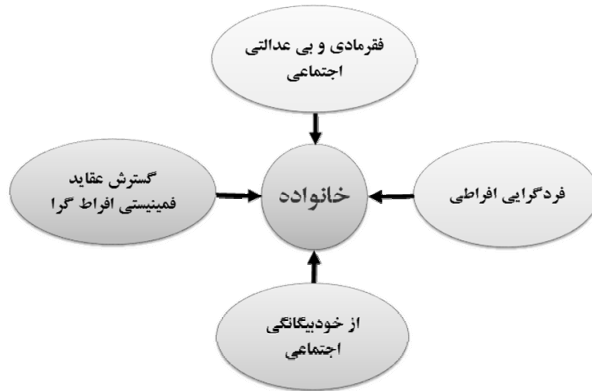
در دوران صنعتی، دیگر خانواده مرکز زندگی قرار نگرفت. دگرگونی روابط تولیدی، سبب اضمحلال قدرت و همبستگی خویشاوندی، از طریق اماکن شغلی متفاوت، جدایی نسل‌ها، تغییر شغل و تغییر مکان زندگی شد. بسیاری از کارکردهای محافظتی خانواده به تدریج به نهادهای دولتی یا خصوصی واگذار شد.

سیاست‌های نوسازی از عمده عوامل بارز دگرگونی‌های اجتماعی به خصوص در کشورهای پیرامونی است که گسستگی و تضعیف در اجتماع سنتی از آشکارترین نتایج آن است. گاهی بروز و گسترش مسائل اجتماعی نتیجه اجتناب ناپذیر مدرنیسم و سیاست‌های نوسازی بیان می‌شود. اما در این شرایط افراد بدنبال حداکثر سود و منفعت فردی و شخصی خود هستند. گاهی مشاهده می‌کنیم که از بروز و گسترش آسیب‌های اجتماعی به عنوان نتایج گریزناپذیر مدرنیسم یاد می‌شود و آن را هزینه‌ای می‌دانند که باید در مقابل دستیابی به آزادی به عنوان ارمان مدرنیسم پرداخت کرد. اما باید توجه کرد که فقط آن نوعی از آزادی که منجر به ایجاد حس مسئولیت فردی و در نهایت گسترش حس همکاری جمعی برای ایجاد جامعه‌ای اخلاقی و سالم بشود، قابل تقدیر است.

دگرگونی در تفکر و نگرش نسبت به جهان که در رسیدن به شیوه‌های جدید زندگی و پیدایش جامعه صنعتی مؤثر بود احتمالاً از قرن هیجدهم آغاز شد و با فلاسفه روشنگری و درک متفاوت این فلسفه از مفهوم زندگی مرتبط بود. تفکر روشنگری انسان را از اندیشه‌های جزمی و روابط اقتداری و غیرمنطقی که در جامعه و خانواده وجود داشت، آزاد ساخت. در این تفکر فرد و طبیعت منبع و ضامن اصلی شناخت و پیشرفت انسان بودند. مسئولیت دنیوی، مفید بودن برای جامعه و سعی در رسیدن به خوشبختی مطرح بود. یکی از نتایج این تفکر، پیدایش لیبرالیسم و

دموکراسی در کلیه امور زندگی بود و نتیجه آن رنگ باختگی ارزش ها و هنجارهای سنتی بود؛ زیرا دلیلی برای پایبندی به آنها وجود نداشت. به این ترتیب تفکرات روشنگری و آزادیخواهانه نیز در دگرگونی خانواده مؤثر بود. در حقیقت عقل‌گرایی روابط اجتماعی و نیاز به آزادی در ساختار اجتماعی بر محدوده زندگی شخصی تأثیر گذاشت (اعزازی، ۱۳۷۶: ۱۷۱).

تغییر نگرش منفی نسبت به طلاق که در اثر چنین تغییرات فرهنگی به وجود آمد، تأثیر بسیاری در از هم گسیختگی نظام خانواده دارد. شاید مهم‌ترین عاملی که باعث افزایش طلاق در قرن بیستم است، پذیرش اجتماعی روزافزون آن است. مطالعات مردم‌شناسان و جامعه‌شناسان بیانگر آثار منفی مدرنیسم اقتصادی بر خانواده است. دیزارد و گادلین به سال ۱۹۹۰ درباره موفقیت‌های متعدد کاپیتالیسم (سرمایه‌داری) و تأثیر آن در تضعیف قوانین اخلاقی و آسیب‌های اجتماعی و سطح بالای مسئولیت‌های اجتماعی در خانواده سنتی بحث کرده‌اند. نگرش دیزارد و گادلین درباره تغییرات در روابط خانواده خوش‌بینانه نیست. به نظر آنها روابط موجود در خانواده برای دستیابی به اهداف مدرن ادامه می‌یابد و دیگر هدف تکامل احساسات و عواطف نیست. برای زنده نگهداشتن سیستم سرمایه‌داری، ایجاد مصرف‌کننده بیشتر برای بازار حایز اهمیت است و این روند از ایجاد خانواده مسئول‌جویی کرد و بیشتر به سوی فردگرایی غیرمسئولانه، آزاد و معنی‌دار منجر شد که این‌گونه فردگرایی باعث ایجاد نقض در روابط انسانی می‌شود و در نهایت به تخریب عشق و عاطفه میان والدین می‌انجامد و دیگر آسیب‌های اجتماعی را به وجود می‌آورد و به نسل‌های بعد انتقال می‌دهد (شکرپیگی، ۱۳۸۶).



نمودار شماره دو- خانواده در معرض عوامل گوناگون اجتماعی و اقتصادی
(منبع: آقایی، ۱۳۸۸)

از سوی دیگر، فرایند هویت یابی زنان با ورود به عرصه تحصیل و به دنبال آن افزایش روند اشتغال زنان سبب افزایش حضور زنان در اجتماع و آگاه شدن آنها نسبت به حقوق خود شده است. این فرایند از عمده عوامل به تأخیر افتادن سن ازدواج در دختران است. به نظر می رسد در سال‌های بسیار نزدیک نرخ فعالیت زنان در گروه‌های سنی ۲۴-۲۰ و ۲۹-۲۵ سال افزایش قابل توجه یابد؛ زیرا روند هویت یابی اجتماعی زنان و تحصیل آنها در مقطع آموزش عالی^۱ نشان از حضور پررنگ‌تر زنان در عرصه‌های کار اجتماعی است.

گسترش عقاید فمینیستی افراطی جدید در جهت بازسازی ذهن زنان برای تشخیص توانایی‌هایشان و به ظاهر پیروزی بر مردان، تأثیر زیادی بر گسترش عقاید ضد خانواده و ضد مرد داشته است. فمینیست‌های افراطی از ترفندهای سیاسی، اقتصادی و قانونی برای فراگیر کردن و ترویج عقاید غیرمنطقی خود در زمینه به راه اندازی یک نبرد بر علیه خانواده و مرد استفاده می کنند. نفوذ عقایدی مانند تشبیه ذات نهاد خانواده به عنوان محل استثمار زن (زن سرمایه دار انگل یک انگل است و زن کارگر برده یک برده!!)، تعامل زیاد زنان با کودکان از آنها موجوداتی ناقص العقل می سازد و ... در بین زنانی که به تازگی فرایند هویت یابی خود را شروع کرده بودند، این

۱- در سال ۱۳۸۳، زنان ۶۸ درصد از پذیرفته شدگان دانشگاه‌ها را تشکیل می دادند.

تفکر را در ذهن زنان ایجاد کرد که خانواده و خصوصاً بارداری و فرزندان سد راه موفقیت اجتماعی و اقتصادی آنهاست.

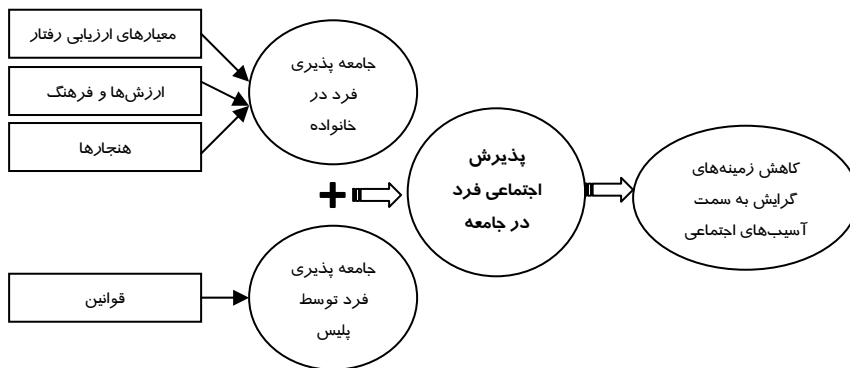
همچنین تأکید بیش از حد بر برخی اهداف و ارزش‌ها از سوی رسانه‌ها و دستگاه‌های تعلیم و تربیت مانند تأکید زیاد بر ورود به دانشگاه، تحصیلات عالی، تأکید بر ازدواج به عنوان تنها راه صحیح ارضای میل جنسی، تأکید بر زندگی اشرافی، گسترش مصرف‌گرایی و شیوع مدهای جدید و مارک‌گرایی بدون در دسترس بودن ابزارها و امکانات مانند در دسترس نبودن امکانات تحصیلی، امکانات ازدواج و افزایش فقرمادی عامل دیگری در جهت گسترش انزوای اجتماعی و شیوع ناهنجارهای اجتماعی است. به‌گونه‌ای که شکل خاصی از بحران هویت شکل گرفته است که نتیجه گسترش آنومی و از خودبیگانگی در جامعه است.

با توجه به موارد فوق می‌توان نتیجه گرفت که نهاد خانواده تحت تأثیر تغییرات ساختاری برخی از کارکردهای خود را به درستی انجام نمی‌دهد. همین کژکارکردها در نهایت بر بروز و گسترش آسیب‌های اجتماعی در ایران تأثیر دارد. بنابراین رابطه متقابلی بین کارکردهای خانواده و گرایش به آسیب‌های اجتماعی وجود دارد. منظور ما از کارکردهای خانواده، کارکردهای خانواده هسته‌ای است که در قرن بیستم و در جامعه صنعتی، به شکل متداول زندگی خانوادگی تبدیل شده است. خانواده هسته‌ای خانواده‌ای است کوچک، متشکل از زن و شوهر و احتمالاً فرزند یا فرزندانش است. خانواده هسته‌ای به حسب معمول در محلی جدا از والدین یا اقوام زوجین تشکیل می‌شود و همین امر در افقی شدن هرم قدرت مؤثر است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۴۲).

آموزش نامناسبی که کودک از طریق خانواده دریافت می‌کند، یکی از مهم‌ترین عوامل خطر در بروز رفتارهای انحرافی است. به هنگامی که یک کودک در یک محیط خانوادگی ناسالم و ناسازگار پرورش می‌یابد، به احتمال بسیار زیاد تبدیل به یک کودک ناسالم یا ناسازگار می‌شود. در صورتی که شرایط جامعه نیز ناسالم باشد، تبدیل به یک نوجوان یا جوان مجرم می‌شود (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۹).

جامعه‌پذیری اعضای خانواده از مهم‌ترین کارکردهای خانواده محسوب می‌شود. پلیس و خانواده دو نهاد اجتماعی هستند که جامعه‌پذیری افراد جامعه با این دو نهاد اجتماعی در ارتباط است. خانواده‌های ناهنجارها و معیارهای ارزیابی رفتار را به کودکان القا

می‌کنند. پلیس نیز وظیفه جامعه پذیر کردن افراد جامعه را در زمینه ارزش‌ها و قوانین جامعه دارد تا از این طریق نظم و امنیت اجتماعی برقرار شود.



نمودار شماره سه- خانواده و پلیس به عنوان دو نهاد مؤثر بر اجتماعی کردن افراد جامعه
(منبع: آقایی، ۱۳۸۸)

در صورتی که فرایند اجتماعی شدن در فرد به گونه‌ی مورد پذیرش جامعه انجام نشود، نتیجه آن گرایش به سمت آسیب‌های اجتماعی است. زیرا هر نوع قطع ارتباط بین فرد و جامعه، به گونه‌ی ای که فرد در چارچوب‌های اجتماعی جذب نشود، زمینه‌ای انومیک و مساعد برای رشد انحرافات اجتماعی ایجاد می‌کند. در چنین حالتی یک نوع فرد گرایی افراطی، خواسته‌های فردی را در مقابل حیات اجتماعی قرار می‌دهد. از عمده نتایج عدم جامعه پذیری صحیح جوانان یا بی تفاوتی و بی اعتماد شدن آنها نسبت به هنجارها و ارزش‌های موجود در جامعه، انتخاب گروه مرجع خود از بین افرادی متفاوت با ارزش‌های پذیرفته شده در اجتماع است. گروه مرجع افرادی هستند که بیش از دیگران، جامعه، رفتارهای خود را از روی آنها کپی برداری می‌کنند. گروه‌های مرجع معمولاً به دست نهادهای رسمی مثل مدرسه‌ها، ارگان‌ها و بالاخص رسانه‌های جمعی یا گروه‌های مردمی تشکیل می‌شوند. گروه‌های مرجع ارزش‌ها، جهت‌گیری‌ها و سبک زندگی مخاطبان‌شان را هدایت می‌کنند. انتخاب گروه‌های مرجع خارج از چارچوب‌های اجتماعی پذیرفته شده در جامعه توسط نسل جوان،

سبب عدم جذب آنها در اجتماع و در نهایت افزایش امکان گرایش به آسیب های اجتماعی می شود.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش اسنادی (کتابخانه ای) استفاده شده است و از طریق مراجعه به کتاب ها و سایت های اینترنتی معتبر اطلاعات مورد نظر گردآوری گردیده است. همچنین به منظور نشان دادن نقش و اهمیت خانواده در شیوع و گسترش آسیب های اجتماعی در ایران، به فراتحلیل برخی تحقیق ها و پژوهش های انجام شده در زمینه عوامل مؤثر بر آسیب های اجتماعی در ایران پرداخته شد. به دلیل زیاد بودن تعداد این پژوهش ها قطعاً مطالعه کامل این پژوهش ها امکان پذیر نبود. لذا برخی از این تحقیق ها که با مطالعه میدانی همراه بودند انتخاب شد و مورد بررسی قرار گرفت. هدف روش فراتحلیل نشان دادن شیوه تفکر در ترکیب پژوهش ها با استفاده از روش های آماری است. به عبارت دیگر، فراتحلیل روشی است که به کمک آن می توان تفاوت های موجود در پژوهش های انجام شده را استنتاج کرد و در دستیابی به نتایج کلی و کاربردی از آن بهره جست.

جامعه آماری

از آنجایی که در این پژوهش از روش تحلیل ثانویه استفاده شده است، لذا به منظور بررسی پژوهش های انجام شده در زمینه آسیب های اجتماعی ایران، ۴۰ پژوهش میدانی در زمینه اعتیاد، ۲۰ پژوهش میدانی در زمینه دختران فراری و ۲۰ پژوهش میدانی در زمینه روسپیگری مورد بررسی قرار گرفتند. این پژوهش ها از بین پژوهش هایی انتخاب شده است که به بررسی عوامل مؤثر بر هر یک از این آسیب های اجتماعی (اعتیاد، دختران فراری و روسپیگری) می پرداختند. به این منظور از بین لیست تمامی پژوهش های انجام شده در قالب پایان نامه کارشناسی ارشد و پژوهش های سازمان بهزیستی که با استفاده از مطالعات میدانی انجام شده بودند، پژوهش های مورد بررسی با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند.

بررسی یافته ها

نتایج فراتحلیل ۴۰ پژوهش میدانی در زمینه عوامل مؤثر بر آسیب اجتماعی اعتیاد ۴۰ پژوهش با مطالعه میدانی در زمینه اعتیاد مورد بررسی قرار گرفت که ذکر نام تمام این تحقیق ها به دلیل محدودیت صفحات مقاله امکان پذیر نیست. تحلیل ثانویه ۴۰ پژوهش و پایان نامه که مبتنی بر کار میدانی در زمینه اعتیاد بودند، نشان داد که ۴۷/۵ درصد از پژوهش ها، مهم ترین عامل گرایش فرد به سمت اعتیاد، تولد یا پرورش فرد در خانواده ای که طلاق در آن اتفاق افتاده است بیان شده است. در ۲۵ درصد از پژوهش ها، گرایش یکی از اعضای خانواده به مصرف مواد مخدر مهم ترین عامل گرایش به سمت مواد مخدر به دست آمد. در ۱۲/۵ درصد از پژوهش ها، مشاخره ها یا جدایی موقت و طولانی والدین به عنوان مهم ترین عامل گرایش به سمت اعتیاد شناخته شده بود و گرایش به اعتیاد از طریق دوستان و همکاران در ۱۰ درصد از پژوهش ها عامل نخست و فقر و شکاف طبقاتی در ۵ درصد از پژوهش ها به عنوان عامل اصلی شناخته شده است. جدول زیر مهم ترین عامل مؤثر بروز اعتیاد را در تحلیل ثانویه ۴۰ پژوهش میدانی نشان می دهد: (معدنی، ۱۳۸۱: ۴؛ یزدخواستی، ۱۳۸۰: ۳۱؛ اسعدی، ۱۳۵۲: ۱۰۵؛ کرباسی، ۱۳۸۵: ۲۰۰؛ وردی نیا، ۱۳۸۴: ۳۰)

جدول شماره دو- عامل اول گرایش به مواد مخدر در پژوهش های مورد بررسی

درصد	تعداد	مهم ترین عامل گرایش به اعتیاد در پژوهش ها	درصد
%۸۵	۱۹	تولد و تربیت در خانواده ای که طلاق در آن اتفاق افتاده است.	۴۷/۵%
	۱۰	گرایش یکی از اعضای خانواده به مصرف مواد مخدر	۲۵%
	۵	مشاخره ها یا جدایی های موقت و طولانی والدین در خانواده	۱۲/۵%
%۲۵	۴	گرایش به اعتیاد از طریق همنشینی با دوستان یا همکاران	۱۰%
	۲	فقر و شکاف طبقاتی	۵%
%۱۰۰	۴۰	جمع	%۱۰۰

با توجه به اطلاعات فوق، در ۸۵ درصد از این پژوهش ها به از هم گسیختگی نهاد خانواده به عنوان مهم ترین و اولین دلیل گرایش به سمت اعتیاد اشاره شده است. بنا براین می توان گفت از هم گسیختگی نهاد خانواده نقش مهمی در گسترش آسیب های اجتماعی در ایران دارد. شاید یکی از روش های عمده پیشگیری از اعتیاد در ایران، آموزش خانواده ها بخصوص خانواده هایی است که به شکلی زمینه گسترش آسیب اجتماعی اعتیاد در آنها وجود دارد.

نتایج فراتحلیل ۲۰ پژوهش میدانی در زمینه عوامل مؤثر بر روسپیگری در ایران

روسپیگری^۱ رابطه ای جنسی است که بر اساس معامله، در خارج از مناسبات زناشویی و با بی تفاوتی عاطفی صورت گیرد و انگیزه اصلی زن در این عمل کسب درآمد است و نه لذت. با بررسی های انجام شده از این افراد، اغلب زنان خیابانی علت مبتلا شدن خود به انحراف را نیازهای شدید مالی و استیصال در تأمین معاش خود و فرزندان، آشفتگی خانوادگی در خانواده محل تولد خود، طلاق از همسر، خشونت شوهر یا والدین، اعتیاد شوهر، رانده شدن از کانون خانواده، قرار گرفتن در معرض تجاوز جنسی، و... بیان کرده اند.

تحلیل ثانویه ۲۰ تحقیق نشان داد که در ۱۰۰ درصد این پژوهش ها فقر به عنوان عامل اول گرایش به سمت روسپیگری شناخته شده است و مشکلات خانوادگی پس از فقر به عنوان عامل دوم روسپیگری بیان شده است.

جدول شماره سه-عوامل اول روسپیگری در پژوهش های مورد بررسی

درصد	تعداد	عوامل اول شناخته شده در پژوهش ها به عنوان عامل مؤثر بر گرایش به روسپیگری و سایر عوامل	
۱۰۰%	۲۰	فقر(نیاز شدید مالی و استیصال در تأمین معاش)	عامل اول
۵۰%	۱۰	طلاق در خانواده	سایر عوامل
۲۵%	۵	خشونت همسر و یا والدین(اعم از خشونت جنسی و فیزیکی)	
۲۵%	۵	اعتیاد همسر یا والدین	
۱۰۰%	۴۰	جمع	

همچنین مسئله روسپیگری در ایران را نباید بدون توجه به تقاضای موجود برای فعالیت این زنان در نظر گرفت. تا زمانی که زنان روسپی در جامعه ما بازاری برای فعالیت دارند، کاهش این آسیب اجتماعی دور از انتظار است.

این تقاضا معمولاً از سه دسته از مردان صورت می پذیرد. مردان مجرد که دلیل عمده آن افزایش سن ازدواج در ایران، بیکاری، کاهش اعتقادات مذهبی در بین جوانان و عدم وجود امکانات ازدواج برای این دسته است. دسته دوم، مردان دارای همسر هستند که عمده دلیل گرایش آنها به سمت این مسئله، مشکلات جنسی در روابط زن و شوهر در خانواده های ایرانی و افراد با مشکلات جنسی است که نشان می دهد که خانواده نتوانسته است مهم ترین کارکرد خود یعنی ارضای نیازهای جنسی را انجام دهد. دسته سوم، مردان مطلقه هستند که این روش را بهترین وسیله ارضای میل جنسی خود فارغ از مسئولیت های خانواده می دانند که با توجه به رشد طلاق در کشور، افزایش تعداد این دسته از افراد نیز اجتناب ناپذیر است.

نتایج فراتحلیل ۲۰ پژوهش میدانی در زمینه عوامل مؤثر بر فرار دختران از منزل
دختران فراری نیز از مسائل اجتماعی مهم ایران است که به گونه ای با از هم گسیختگی نهاد خانواده در ایران در ارتباط است. تفاوت قابل ملاحظه ای بین مفهوم فرار از خانه و روسپیگری وجود دارد. طبق نظریه برچسب زنی، زدن برچسب روسپی به دختران فراری می تواند در گرایش این دختران به سمت روسپیگری تأثیر داشته باشد، اما نمی توان منکر شد که دختران که اقدام به فرار از منزل می کنند، می توانند به راحتی به سمت آسیب اجتماعی روسپیگری کشیده شوند.

طبق بررسی های انجام شده، میانگین سن دختران فراری بین ۱۷-۱۵ سال است که نشان از وضعیت بحران روحی دختران فراری دارد. فراتحلیل پژوهش های انجام شده در این زمینه نشان می دهد که که مهم ترین دلایل فرار از خانه برای دختران عبارتند از:

- کتک خوردن توسط والدین
- جدایی پدر و مادر
- اختلاف با پدر و مادر
- خانواده با پایگاه اجتماعی بسیار پایین

- اختلاف با نامادری و ناپدري

- تمایل به ازدواج به شخص خاص و مخالفت پدر و مادر با این ازدواج

در فراتحلیل ۲۰ پژوهش در زمینه دختران فراری نشان می دهد که در ۹۰ درصد از این پژوهش ها به مشکلات خانوادگی به عنوان دلیل اصلی فرار دختران از منزل اشاره شده است و ۱۰ درصد از پژوهش ها فقر را عامل اصلی گرایش به فرار دختران از منزل معرفی کرده اند. به صورت جزئی تر، در ۴۰ درصد از پژوهش ها، ناسازگاری با والدین یا سایر اعضای خانواده به عنوان مهم ترین عامل فرار دختران از منزل بیان شده است. ۲۵ درصد به خشونت همسر یا والدین به عنوان مهم ترین عامل اشاره کرده اند. در ۲۵ درصد از پژوهش ها تولد و تربیت در خانواده حاصل طلاق به عنوان مهم ترین عامل فرار دختران از منزل اشاره شده است و در ۱۰ درصد نیز فقر و شکاف طبقاتی به عنوان اولین عامل مؤثر بر فرار دختران از منزل اشاره شده است.

جدول شماره چهار-عامل اول فرار دختران از منزل در پژوهش های مورد بررسی

درصد	تعداد	مهم ترین عامل فرار دختران از منزل در پژوهش ها	مرتبط با خانواده
۹۰%	۸	ناسازگاری با والدین و یا سایر اعضای خانواده	
	۵	خشونت همسر یا والدین (اعم از خشونت جنسی و فیزیکی)	
	۵	تولد و تربیت در خانواده ای که طلاق در آن اتفاق افتاده است.	
۱۰%	۲	فقر و شکاف طبقاتی	سلیر
۱۰۰%	۲۰	جمع	

نتیجه گیری

بررسی پژوهش های میدانی در زمینه آسیب های اجتماعی ایران (۴۰ پژوهش میدانی در زمینه اعتیاد، ۲۰ پژوهش میدانی در زمینه روسپیگری و ۲۰ پژوهش میدانی در زمینه دختران فراری) نشان داد که از هم گسیختگی نهاد خانواده از عوامل مهم افزایش این آسیب های اجتماعی است. در زمینه اعتیاد، ۸۵ درصد از پژوهش ها و در

زمینه دختران فراری ۹۰ درصد از پژوهش‌ها به نقش از هم گسیختگی نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین عامل اشاره کرده‌اند. اما در زمینه روسپیگری، در ۱۰۰ درصد از پژوهش‌ها عامل اول فقر و استیصال در تأمین معاش و عامل دوم، از هم گسیختگی خانواده به عنوان عوامل گرایش به سمت فرار از منزل در بین دختران نوجوان بیان شده است.

تغییرات ساختاری در خانواده همچنین تغییرات تند و سریع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سبب شده است تا نهاد خانواده دچار کژکارکردی‌های فراوانی شود. همین مسئله سبب نابسامانی اجتماعی در ساختار نظام اجتماعی شده است که در نهایت گسترش مسائل اجتماعی را در پی دارد. به طوری که از هم گسیختگی نهاد خانواده در ایران که به شکل افزایش طلاق، افزایش سن ازدواج، کاهش نرخ ازدواج، افزایش خانواده‌های توحالی و فقر عاطفی در خانواده بروز کرده است، می‌تواند نقش گسترده‌ای در بروز و افزایش مسائل اجتماعی ایران داشته باشد. از سوی دیگر، همین مسئله سبب شده است تا خانواده کارکرد جامعه‌پذیری خود را به شیوه صحیح انجام ندهد. عدم جامعه‌پذیری صحیح افراد در جامعه زمینه ساز گرایش به سمت آسیب‌های اجتماعی است. از سوی دیگر، پلیس دومین نهاد اجتماعی است که وظیفه جامعه‌پذیری افراد جامعه را برعهده دارد و همچنین متولی تأمین امنیت اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی در جامعه نیز هست. بنابراین پلیس نیز وجه دیگری از این مثلث (خانواده، آسیب‌های اجتماعی و پلیس) به شمار می‌رود. بنابراین همکاری دو نهاد خانواده و پلیس در راستای جامعه‌پذیری صحیح افراد و افزایش پذیرش اجتماعی در جامعه می‌تواند نقش مهمی در کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته باشد.

پیشنهادها

در این قسمت به منظور ارائه پیشنهادها مؤثر و کارآمد سعی می‌شود تا جای ممکن از ارائه پیشنهادهایی که نیاز به تغییرات ساختاری دارد و به تبع مشمول زمان می‌شود اجتناب شود. بنابراین پیشنهادهای این مقاله به صورت زیر ارائه می‌شود:

نیروهای انتظامی باید رابطه قوی با خانواده‌ها در زمینه آموزش روشهای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی داشته باشد. این ارتباط باید داری جنبه آموزشی باشد تا

اطلاع رسانی، زیرا اطلاع رسانی به تنهایی نمی تواند در تقویت کارکرد خانواده ها تأثیر داشته باشد. برگزاری کلاس های آموزشی برای خانواده ها توسط نیروهای پلیس و راستای آموزش مهارت های جامعه پذیری از بهترین راه های همکاری پلیس و خانواده ها به شمار می رود این کار می تواند با استفاده از آموزش و پرورش و رسانه های جمعی انجام شود. همچنین انجام مشاوره و تقویت استفاده از مددکاران اجتماعی در نهادهای انتظامی می تواند نیروی انتظامی را به پناهگاهی برای حل مشکلات با فرزندان شان تبدیل کند.

تقویت نهاد خانواده نیز باید در برنامه ریزی های پلیس برای کاهش آسیب های اجتماعی مورد توجه قرار بگیرد. به طور حتم سرمایه گذاری در زمینه حل مشکلات نهاد خانواده در ایران می تواند از بار مشکلات نیروی انتظامی در برخورد با آسیب های اجتماعی بکاهد. یکی از این سرمایه گذاری ها می توان در زمینه تقویت سازمان های مردم نهاد فعال در زمینه نهاد خانواده یا سایر آسیب های اجتماعی ایران باشد. اما با وجود افزایش و گسترش فعالیت سازمان های مردم نهاد، همچنان خانواده های ایرانی شناختی از فعالیت های این سازمان ها ندارند. در این زمینه پلیس می تواند به عنوان رابطی بین سازمان های مردم نهاد فعال و خانواده ها به شمار رود. به گونه ای که با همکاری پلیس، خانواده ها به این سازمان معرفی شوند و در نهایت بتوانند از خدمات این موسسه ها به منظور آموزش روش های ارتقای کارکرد نهاد خانواده در ایران استفاده کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

منابع:

- اسعدی، حسن (۱۳۸۲). پژوهشی بنیادی در زمینه مواد مخدر، تهران: انتشارات پویا.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶). جامعه شناسی خانواده (با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر)، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- حمیدی، فریده (۱۳۸۴). بررسی ساخت خانواده و سبک دلبستگی در دختران فراری، فصلنامه خانواده پژوهش، شماره یک، تهران، انتشارات پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.

- رایبگتن، ارل و مارتین واینبرگ (۱۳۸۶). رویکردهای نظری هفت گانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه رحمت الله صدیق سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران .
- سایت مرکز آمار ایران به آدرس www.sci.org.ir.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش .
- شکرپیگی، عالیپه (۱۳۸۶) آسیب شناسی نظام خانواده در ایران (خسوفت خانوادگی)، سایت اینترنتی انجمن جامعه‌شناسی ایران به تاریخ ۱۳۸۷/۰۵/۱۲.
- صفایی راد، ایرج (۱۳۷۹) اعتیاد و مواد مخدر، مجله ژرفای تربیت، سال دوم، شماره ۱۷.
- فاضل، رضا و الهام میری آشتیانی (۱۳۸۷) آسیب های اجتماعی ایران، نگاهی به آینده، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- کرباسی، محمدعلی (۱۳۸۶) کتابشناسی آسیب های اجتماعی - طلاق، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کلاتری اسکویی، صمد (۱۳۸۴) ارتباط فقر با قانون گریزی و شکل گیری آسیب اجتماعی، مجله رفاه اجتماعی، شماره ۲۰ .
- معدنی، سعید (۱۳۸۱) خانواده و اعتیاد، مجموعه مقالات همایش آسیب های اجتماعی در ایران، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۵) جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، همدان: انتشارات نورالعلم.
- مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، سلامت اجتماعی در ایران، تهران: انتشارات مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۶) جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، تهران، انتشارات طهوری
- وردی نیا، اکبر علی (۱۳۸۴) مطالعه جامعه شناختی اعتیاد به مواد مخدر در ایران ، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰.
- یزد خواستی، علی (۱۳۸۰) علل و عوامل اعتیاد به مواد مخدر از دیدگاه متخصصان و محققان ایرانی، مجله ژرفای تربیت، سال سوم، شماره ۳۱.